
مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان

آیا عمر بن خطاب با دختر امام علی علیه السلام ازدواج نمود؟ و اگر جواب مثبت است دلیل آن چیست؟


بسم الله الرحمن الرحیم

آیا عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر امام علی ازدواج نمود؟ و اگر جواب مثبت است دلیل آن چیست؟

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
آیا عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر امام علی ازدواج نمود؟ و اگر جواب مثبت است دلیل آن چیست؟ ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
اشاره ----- ۶
روایات قضیه ----- ۶
بررسی کلی سندها ----- ۶
اشاره ----- ۶
بررسی سند هر یک از روایات ----- ۷
بررسی متون احادیث ----- ۷
اشاره ----- ۷
تهدید و ارعاب ----- ۷
اضطراب در متن حدیث ----- ۸
تناسب نداشتن سن عمر با ام کلثوم ----- ۸
ام کلثوم دختر ابی بکر ----- ۸
ام کلثوم دختر جرول ----- ۹
تنافی قضیه با ثوابت شریعت ----- ۹
ام کلثوم از غیر زهرا ----- ۹
روایات شیعه ----- ۹
پاورقی ----- ۱۰
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۱

آیا عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر امام علی ازدواج نمود؟ و اگر جواب مثبت است دلیل آن چیست؟

مشخصات کتاب

آیا عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر امام علی ازدواج نمود؟ و اگر جواب مثبت است دلیل آن چیست؟

اشاره

پاسخ : ازدواج امّ‌کلثوم با عمربن خطاب یا خواستگاری از او مورد اختلاف شدید علمای اسلام و مورّخان قرار گرفته است: برخی «امّ‌کلثوم» را دختر امیرالمؤمنین(ع) ندانسته بلکه ربیه آن حضرت می‌دانند، عدّه‌ای ازدواج را در حدّ خواستگاری می‌دانند، دسته‌ای ازدواج را ناکام و بدون عروسی دانسته‌اند، برخی نیز آن را بامیل و رغبت امام علی(ع) و بعضی دیگر آن را با اکراه و تهدید می‌دانند. برخی از اهل سنت در بحث امامت به این موضوع استناد کرده و گفته‌اند: این قضیه از جمله اموری است که دلالت دارد بر این که امام امیرالمؤمنین(ع) از رفتارها و کردارهای خلیفه دوم خشنود بوده و حکومت او را تأیید می‌کرده که دخترش را به نکاح او درآورده است. همان‌گونه که «باقلانی» از متکلمان عامه به آن استشهاد کرده است. اکنون به تفصیل این ماجرا می پردازیم.

روایات قضیه

از جمله اموری که این ماجرا را پیچیده کرده این‌که شیعه و سنّی آن را در مصادر حدیثی خود آورده است، اگرچه اهل سنت آن را با تفصیل و دقت فراوان نقل می‌کنند و شیعه امامیه آن را به صورت مجمل یا به عنوان حکایت از اهل سنت یا از باب الزام خصم به اعتقادها و باورهای خود نقل کرده است. اینکه به برخی از روایات که در مصادر اهل سنت آمده اشاره می‌کنیم: ۱ـ ابن سعد می‌گوید: «... عمربن خطاب، ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب را به ازدواج خود درآورد، در حالی که دختری غیربالغ بود و نزد او بود تا هنگامی که عمر کشته شد و برای او دو فرزند به نام زید و رقیه به دنیا آورد.» [۱] . ۲ـ حاکم نیشابوری به سند خود از علی بن حسین نقل می‌کند: عمر بن خطاب برای خواستگاری امّ‌کلثوم دختر علی(ع) نزد او آمد و از او خواست که دخترش را به نکاح وی درآورد. علی(ع) فرمود: من او را برای فرزند برادرم، عبدالله بن جعفر گذاشته‌ام. عمر گفت: باید او را به نکاح من درآوری... آنگاه علی(ع) امّ‌کلثوم را به ازدواج او درآورد. سپس عمر نزد مهاجران آمد و گفت: آیا به من تبریک نمی‌گویید؟ گفتند: به چه دلیل؟ گفت: به دلیل ازدواج امّ‌کلثوم دختر علی فاطمه. من شنیدم از رسول خدا(ص) که فرمود: هر نسب و سببی روز قیامت منقطع است، مگر سبب و نسب من. از همین رو، دوست دارم که بین من و رسول خدا(ص) نسب و سبب باشد.» [۲] . ۳ـ بیهقی نیز به سند خود از علی بن الحسین(ع) نقل می‌کند: عمر بعد از انجام گرفتن ازدواج از مهاجران خواست که به او تبریک گویند، زیرا از رسول خدا(ص) شنیده بود که هر سبب و نسبی غیر از سبب و نسب حضرت در روز قیامت منقطع می‌شود.» [۳] . این قضیه را عده‌ای دیگر، امثال: خطیب بغدادی، [۴] ابن عبدالبرّ، [۵] ابن اثیر [۶] و ابن حجر عسقلانی [۷] نقل کرده‌اند.

بررسی کلی سندها

اشاره

۱ـ بخاری و مسلم از ذکر این حدیث اعراض کرده و آن را در دو کتاب معروف و مهمّ خود نقل نکرده‌اند و چه بسیار احادیثی که به همین جهت علمای اهل سنت تضعیف نموده‌اند. ۲ـ حدیث در صحاح ستّه و دیگر کتاب‌های معروف اهل سنت، همانند مسند

احمد بن حنبل نیامده است.

بررسی سند هر یک از روایات

حاکم نیشابوری در نقل ماجرا آن را صحیح، ولی ذهبی در تلخیص المستدرک سند آن را منقطع دانسته است؛ همان‌گونه که بیهقی آن را مرسل می‌داند. هم‌چنین بیهقی با سندهای دیگری این قضیه را نقل کرده که همه آنها ضعیف است. ابن سعد نیز حدیث را در الطبقات الکبری به طور مرسل نقل کرده است. ابن حجر در الاصابه با سند خود نقل کرده که در آن «عبدالرحمن بن زید بن اسلم» است که تعداد زیادی از علمای رجال اهل سنت او را تضعیف نموده‌اند. [۸] هم‌چنین در سند آن «عبدالله بن وهب» وجود دارد که تضعیف شده است. [۹] . ابن حجر به سندی دیگر از عطاء خراسانی نقل کرده که ابن عدی و بخاری او را از جمله ضعیفان شمرده‌اند. [۱۰] . خطیب بغدادی نیز آن را با سندی نقل کرده که در آن احمد بن حسین صوفی، عقبهٔ بن عامر جهنی و ابراهیم بن مهران مروزی وجود دارد که اوّلی تصریح به ضعف او شده، دوّمی را از لشکریان و امیران معاویه ذکر کرده‌اند و سوّمی نیز مهمل دانسته شده است. در نتیجه می‌توان گفت که هیچ یک از روایات، سند معتبری ندارد.

بررسی متون احادیث

اشاره

با مراجعه به متن‌های مختلف احادیث، به برخی از اشکال‌ها اشاره می کنیم:

تهدید و ارعاب

از برخی روایات استفاده می‌شود که خواستگاری با تهدید و ارعاب بوده است. کلینی از امام صادق(ع) در مورد ازدواج امّ‌کلثوم نقل می کند که حضرت فرمود: «وی زنی از زنان ما بود که غاصبانه به ازدواج دیگری درآمد... .» [۱۱] . شیخ مفید(ره) می‌فرماید: «امیرالمؤمنین(ع) به دلیل تهدید عمر و در امان نبودن جان خود و شیعیانش، از روی ضرورت، و ناچاری تن به این امر داد و همان‌گونه که در جای خود گفته‌ایم، ضرورت اظهار کلمه کفر را مشروع می کند؛ خداوند متعال می‌فرماید: (اِلّا مَنْ اُکْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْاِیمانِ.) [۱۲] . ابن سعد نقل می کند که علی(ع) در جواب خواستگاری عمر فرمود: او دختری کوچک است. عمر در جواب گفت: به خدا سوگند تو حقّ نداری که مرا از این کار منع کنی و من می‌دانم که چرا او ار به نکاحم درنمی آوری... . [۱۳] . ابن المغازلی نیز از عمر بن خطاب نقل می کند که گفت: به خدا سوگند! مرا چیزی بر اصرار این خواستگاری وادار نکرد، مگر آن که از رسول خدا شنیدم... . [۱۴] . از این حدیث استفاده می‌شود حضرت بنا به اصرار زیاد تن به این درخواست داد. از برخی متون تاریخی نیز استفاده می‌شود خواستگاری به پیشنهاد و تأکید «عمرو بن عاص» بوده است. شیخ مفید(ره) می‌فرماید: «ضرورت، هرگاه انسان را به نکاح و دختر دادن به گمراه بکشاند، در صورتی که او اظهار به کلمه اسلام دارد، کراهت برطرف شده و نکاح جایز می‌شود. این ماجرا از قضیه لوط تعجب‌انگیزتر نیست. حضرت لوط(ع) به آنان پیشنهاد کرد: هر کدام از دخترانش را می‌خواهند به نکاح خود درآورند، با آن که آنان کافر و گمراه بودند خداوند از قول او می‌فرماید: (هٰؤُلاءِ بَناتِی هُنَّ اَطْهَرُ لَکُمْ)؛ [۱۵] «اینان دختران من هستند و برای شما پاک‌ترند». [۱۶] . همو در جایی دیگر می نویسد: «بر فرض صحّت اصل قضیه، برای آن دو توجیه هست که هر دو با مذهب شیعه در گمراهی سابقین بر امام علی(ع)، منافاتی ندارد: الف) نکاح طبق ظاهر اسلام صورت گرفته که عبارت است از: شهادتین، نماز به سمت قبله و اقرار به تمام شریعت. اگرچه افضل آن است با کسی ازدواج شود که به ولایت اعتقاد

دارد، نه آن که به ظاهرِ اسلام، گمراهی را اضافه کرده، لکن تا حدّی که او را از اسلام خارج نکند. ولی اگر ضرورت، کسی را مجبور به نکاح با انسان گمراه وادار کند، در صورتی که اظهار به کلمه شهادتین دارد، کراهت از آن برطرف می‌شود و چیزی که در حال اختیار مکروه بوده، جایز می‌گردد. امیرالمؤمنین(ع) احتیاج به تألیف قلوب و حفظ خون‌ها داشت؛ از همین رو ملاحظه کرد که اگر بخواهد با این امر مخالفت کند، در دین و دنیای مردم فساد ایجاد خواهد شد، لذا به درخواست او جامه عمل پوشانید. ب) نکاح و ازدواج با گمراه ـ همانند کسی که منکر امامت بوده و آن را برای کسی می‌داند که استحقاقش را ندارد ـ حرام است، مگر در صورتی که انسان بر دین و جانش بترسد؛ همان‌گونه که اظهار کلمه کفر ـ که ضد کلمه ایمان است ـ در همین صورت جایز است و خوردن مردار و گوشت خوک هنگام ضرورت حلال می‌گردد، اگرچه در صورت اختیار، حرام است. در جای خود به اثبات رسیده که ضرورت‌ها، محذورات و محرمات را مباح می‌کند؛ همان‌گونه که حضرت لوط(ع) دخترانش را بر کافران قومش عرضه کرد. هم‌چنین رسول خدا(ص) در زمان جاهلیت، دو نفر از دخترانش را به دو کافر تزویج نمود.» [۱۷] . و نیز می‌فرماید: «رسول خدا(ص) قبل از بعثت، دو نفر از دخترانش را یکی به نکاح عتبهٔبن ابی لهب و دیگری را به نکاح ابی العاص بن ربیع درآورد و بعد از بعثت، آنان را از شوهرانشان جدا نمود. عقبه بر کفر از دنیا رفت، ولی ابوالعاص بعد از جدایی اسلام آورده و دوباره به نکاح اول بازگشت... .» [۱۸] .

اضطراب در متن حدیث

احادیث مضطرب است و می‌دانیم که اضطراب متن از جمله اموری است که حدیث را از حجّیت و اعتبار ساقط می‌کنند. در برخی از روایات آمده است: امیرالمؤمنین متولّی عقد دخترش شد. دسته‌ای دیگر می‌گوید: عباس متولّی آن شد. در بعضی آمده است: عقد بعد از تهدید عمر انجام گرفت. عده‌ای دیگر می‌گوید: عقد با اختیار و میل و رغبت امام صورت گرفت. در دسته‌ای از روایات آمده است: عمر از او صاحب بچه‌ای شد که نامش را «زید» نهاد. برخی دیگر می‌گوید: عمر قبل از مباشرت با وی، کشته شد. در دسته‌ای از روایات آمده است: زید بن عمر نسل داشته است. در برخی دیگر آمده است: زید بن عمر نسلی از خود به جای نگذاشت. بعضی می‌گوید: زید و مادرش، ام‌کلثوم کشته شدند. در دسته‌ای از روایات آمده است: مادر زید پس از مرگ وی زنده بود. در برخی منابع ذکر شده است: عمر مهر او را چهل هزار درهم قرار داد. عده‌ای دیگر مهر او را چهار هزار درهم نوشته‌اند و گروهی نیز آن را پانصد درهم نقل کرده‌اند.

تناسب نداشتن سن عمر با ام کلثوم

فقیهان در بحث نکاح، کفو و همانند بودن بین زن و مرد را شرط می‌دانند، و حال آن‌که می‌دانیم هیچ تناسبی بین این دو از نظر سنّ نبوده، زیرا در برخی از احادیث آمده که علی(ع) به عمر فرمود: او صغیره است... و در بعضی دیگر آمده که حضرت(ع) فرمود: او صبیّه است. [۱۹] .

ام کلثوم دختر ابی بکر

از برخی تواریخ استفاده می‌شود که ابی‌بکر دختری به نام «امّ‌کلثوم» داشت که عمر از وی خواستگاری کرد. از همین رو ممکن است به جهت تشابه اسمی آن را به دختر امیرالمؤمنین نسبت داده‌اند. ابن قتیبه در «المعارف» می‌گوید: «عمر هنگام خواستگاری از امّ‌کلثوم دختر ابی‌بکر، وی را نزد عایشه برد. عایشه آن را قبول کرد، ولی ام‌کلثوم از عمر کراهت داشت....» [۲۰] . عمری موصلی نیز این قصه را در کتاب الروضهٔ الفیحاء فی تواریخ النساء [۲۱] و نیز عمر رضا کحاله در کتاب اعلام النساء [۲۲] نقل کرده است.

ام کلثوم دختر جرول

برخی از مورخان مادر زید بن عمربن خطاب را امّ‌کلثوم دختر جرول دانسته‌اند، لذا ممکن است تشابه اسمی باعث شده باشد که آن را به دختر امیرالمؤمنین(ع) نسبت دهند. طبری می‌گوید: مادرِ زید اصغر و عبیدالله که در جنگ صفین همراه معاویه کشته شدند، امّ‌کلثوم دختر جرول بوده است که اسلام بین او و عمر جدایی انداخت.» [۲۳] . اغلب مورخان موضوع ازدواج امّ‌کلثوم، دختر جرول را با عمر بن خطاب در جاهلیّت نقل کرده‌اند. [۲۴] .

تنافی قضیه با ثوابت شریعت

بـا مراجعه به برخی از روایات پی می‌بریم یا عمر بن خطاب به مسائل شریعت بی‌توجه بوده یا این که اصل قصّه دروغ است. خطیب بغدادی نقـل می‌کنـد: قبل از ازدواج، علی(ع) به ام‌کلثوم دختر فاطمه امر کرد که خود را زینت کنـد؛ آن‌گاه نزد عمر فرستاد. عمر هنگامی که او را دید به سویش حرکت کرده و به ساق پایش دست کشید و گفت: به پدرت بگو: راضی هستم. وقتی او (ام‌کلثوم) نزد علی(ع) آمـد، حضـرت فرمود: عمر چه گفت: عرض کرد: مرا به سوی خود خوانـد و بوسـید و هنگامی که ایستادم ساق پایم را گرفت. این ماجرا با غیرت امیرالمؤمنین(ع) سازگاری ندارد، زیرا چگونه حضرت دخترش را قبل از ازدواج به دست کسی می‌سپارد که هیچ حدود شرعی را مراعات نمی‌کند. از همین رو سبط بن جوزی بعد از آنکه این قصه را از جدّش صاحب کتاب المنتظم نقل می‌کنـد، قبیح شمرده و می‌گوید: «جدّم در کتاب المنتظم ذکر کرده که علی دخترش امّ‌کلثوم را به سوی عمر فرستاد تا او را ببیند، عمر ساقش را بالاـ زده و با دستش مسّ کرد. آنگاه می‌گویـد: سخن من این است که اگر به جای او (امّ‌کلثوم) زن کنیزی بود، به خدا سوگنـد! این عمـل قبیـح بود، زیرا به اجماع مسلمین لمس زن جایز نیست، تا چه رسـد به عمر که این عمل از وی صادر شـده باشد.» [۲۵] . در برخی از روایات آمـده است: «... امّ‌کلثوم با او برخورد شدیـدی کرد و فرمود: چگونه این کارها را انجام می‌دهی؟ اگر امیر و خلیفه مؤمنین نبودی، دماغت را خرد می‌کردم. آن‌گاه از منزلش بیرون آمـده، نزد پـدر رفت و بعـد از ذکر جریان عرض کرد: ای پـدر مرا نزد پیرمرد پستی فرستادی... .» [۲۶] . این احتمـال نیز هست که عمر در مورد مسائـل شهوانی اختیـاری از خود نداشته است، لذا از او رسیده که می‌گفت: «در من از جاهلیت چیزی جز مسئله نکاح باقی نمانده است... .» [۲۷] .

ام کلثوم از غیر زهرا

اهل سنت اصـرار زیادی دارند که عمر از امّ‌کلثوم دختر علی و فاطمه(ع)، خواستگاری کرده است؛ تا این‌که برای او سببی به رسول خـدا(ص) بیابنـد، در حالی که از برخی تواریخ استفاده می‌شود که حضـرت علی(ع) دختری دیگر به نام «امّ‌کلثوم» از غیر حضـرت زهرا(ع) داشته است: برخی از مورخان در این‌باره می‌گویند: «علی(ع) دو دختر به نام زینب صغری و امّ‌کلثوم صغری داشته که هر دوی آنها از امّ‌ولـد بوده‌اند.» [۲۸] . ابن قتیبه نیز ام‌کلثوم را دختر امـام علی(ع) دانسته و می‌گویـد: مادر او امّ‌ولـد و کنیز بوده است. [۲۹] . طریحی نیز می‌گویـد: «امّ‌کلثوم زینب صغری دختر امیرالمؤمنین(ع) است که با برادرش حسین(ع) در کربلا بود. مشهور بین اصحاب آن است که عمر بن خطاب او را به زور به نکاح خود درآورد. همان‌گونه که سید مرتضی در رساله‌ای بر آن اصرار دارد و قول صحیح‌تر را ـ به جهت روایات مستفیضه ـ همین می‌داند.» [۳۰] .

روایات شیعه

علما و محدثان شیعه این قضیه را با مضامین مختلف و با سندهای صحیح و ضعیف نقل کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ـ کلینی به سند خود از امام صادق(ع)، درباره ازدواج امّ‌کلثوم نقل می‌کند که حضرت فرمود: «وی زنی از زنان ما بود که غاصبانه به ازدواج دیگری در آمد...» ۲ـ همو به سند خود از امام صادق(ع) نقل می‌کند: از حضرت سؤال شد: آیا زنی که شوهرش مرده است، در خانه خود عدّه وفات بگیرد یا هر کجا که می‌خواهد؟ حضرت فرمود: «هرکجا که می‌خواهد، زیرا علی(ع) بعد از وفات عمر، امّ‌کلثوم را به خانه خود برد.» [۳۱] . ۳ـ شیخ طوسی(ره) به سند خود از امام باقر(ع) نقل می‌کند: امّ‌کلثوم دختر علی(ع) و فرزندش زید بن عمر بن خطاب در یک ساعت از دنیا رفتند... . [۳۲] . در توجیه این روایات و روایات دیگر می‌گوییم: الف) همه روایات صحیح السند نیستند؛ ب) برخی از روایات دلالت بر وقوع عقد و نکاح ندارد، همانند روایاتی که دلالت دارد که امام علی(ع) امر نکاح را به عباس واگذار کرده است؛ [۳۳] همان‌گونه که مجلسی به آن تصریح کرده است. ج) اغتصاب و غصب فرج؛ معلّق بر صحت ادعای تزویج است؛ یعنی بر فرض صحت و وقوع تزویج؛ همان‌گونه که عامه می‌گویند: این فرجی است که از ما غصب شده است و تعلیق دلالت بر وقوع نکاح ندارد. مجلسی(ره) می‌گوید: «معنای حدیث آن است که در ظاهر از ما غصب شد و به گمان مردم، اگر این قصّه صحیح باشد.» [۳۴] . در مورد روایت اوّل در سند آن «جعفر بن محمّد قمی» است که مجهول بوده و مشترک است با جعفر بن محمّد اشعری و جعفر بن محمّد بن عبیدالله، که این دو نیز مجهولند. [۳۵] هم‌چنین در سند آن «قداح» وجود دارد که طبق نصّ رجالیین مهمل بوده؛ از همین رو سند روایت ضعیف است. از حیث دلالت نیز گفته شد احتمال دارد که زید فرزند عمر از امّ‌کلثوم دختر جرول و یا دیگری است. در مورد روایت دوّم: روش امامان این بود که در اثبات برخی از احکام، به معتقد خصم استدلال می‌کردند، در صورتی که مخاطب از جمله آنان بود. در این روایت، حضرت درصدد اثبات قضیّه ازدواج امّ‌کلثوم نیستند، بلکه در مقام اثبات حکمی است که مخالف با نظر اهل سنت است، زیرا آنان قائل بودند به این که عده زن شوهر مرده در غیر خانه شوهر جایز نیست. حضرت برای اثبات جواز آن به خبر ام‌کلثوم که اهل سنت نقل می‌کنند، استدلال کرده است. در نهایت بر فرض که این توجیهات صحیح نباشد این روایات حمل بر تقیه و تهدید می‌شود که در برخی روایات نیز به آن تصریح شده است. خصوصاً اینکه در روایات تصریح نشده که امّ‌کلثوم دختر فاطمه زهرا(ع) باشد، ممکن است که از غیر حضرت بوده است. در هر صورت با این همه احتمالات اصل قضیّه و استدلال و تکیه کردن بر آن به عنوان تأیید خلیفه دوّم، امری نادرست است.

پاورقی

[۱] طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۴۶۲.

[۲] مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۲.

[۳] بیهقی، سنن الکبری، ج ۷، ص ۶۳.

[۴] تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۱۸۲.

[۵] الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۴.

[۶] اسدالغالبه، ج ۵، ص ۶۱۴.

[۷] الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۲.

[۸] ر.ک: عقیلی، الضعفاء، ج ۲، ص ۳۳۱؛ ابن عدی، الکامل فی الضعفاء، ج ۷، ص ۱۵۸۱.

[۹] همان، ج ۵، ص ۳۳۷.]

[۱۰] الکامل، ج ۷، ص ۶۹.

[۱۱] کافی، ج ۵، ص ۴۳۶.

[۱۲] مسائل سرویه، ص ۹۲.

[۱۳] طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۴۶۴.

[۱۴] مناقب امام علی(ع)، ص ۱۱۰.

[۱۵] هود (۱۱)، آیه ۷۸.

[۱۶] تزویج علی(ع) بنته من عمر، ص ۱۵.

[۱۷] المسائل السرویهٔ.

[۱۸] ترویج امّ‌کلثوم من عمر، ص ۱۶.

[۱۹] طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۳۱۲.

[۲۰] ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۷۵.

[۲۱] الروضهٔ الفیحاء فی تواریخ النساء، ص ۳۰۳.

[۲۲] اعلام النساء، ج ۴، ص ۲۵۰.

[۲۳] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۶۹؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸.

[۲۴] ر.ک: الاعصابهٔ، ج ۴، ص ۴۹۱؛ صفهٔ الصفوهٔ، ص ۱۱۶ و تاریخ المدینهٔ المنورهٔ، ج ۲، ص ۶۵۹.

[۲۵] سبط بن جوزی، تذکرهٔ الخواص، ص ۲۸۸.

[۲۶] اسدالغالبه، ج ۵، ص ۶۱۴؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۲ و ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۸.

[۲۷] طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۹۸۲.

[۲۸] تاریخ موالید الائمه، ص ۱۶؛ نورالابصار، ص ۱۰۳ و نهایهٔ الارب، ج ۲۰، ص ۲۲۳.

[۲۹] ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۸۵.

[۳۰] اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲ (به نقل از طریحی).

[۳۱] همان، ج ۶، ص ۱۱۵.

[۳۲] تهذیب، ج ۲، ص ۴۲.

[۳۳] وسائل، ج ۲۰، باب ۱۰، کافی، ج ۵؛ ص ۳۴۶ و مرآهٔ العقول، ج ۲، ص ۴۲.

[۳۴] مرآهٔ العقول، ج ۲، ص ۴۲.

[۳۵] معجم رجال الحدیث، ترجمه جعفر بن محمّد اشعری.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹